

امام انس رفیق و شفقت پدر و همراهی برادر و خوبی مادر به فرزند کوچک را دارد.

مرحوم استاد علی صفایی حائری

در روایت کافی از امام رضا علیه السلام می شنویم: «الامام، الانیس الرفیق و الوالد الشفیق والاخ الشقیق والامّ البرّ بالولد الصغیر و مفزع العباد فی الداهیة النّاد. الامام، امین الله فی خلقه و حجته علی عباده و خلیفته فی بلاده و الداعی الی الله و الذاب عن حرم الله، الامام، المطهر من الذنوب، المبرا عن العیوب، المخصوص بالعلم الموسوم بالحلم، نظام الدین و عز المسلمین و غیظ المنافقین و بوار الکافرین. الامام، واحد دهره لایدانیه احد و لا یعادلّه عالم و لا یوجد منه بدل و لا له مثل و لا نظیر. مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له و لا اکتساب بل اختصاص من المفضل الوهاب». «۱»

امام انس رفیق و شفقت پدر و همراهی برادر و خوبی مادر به فرزند کوچک را دارد و در آگاهی و خصوصیات کمال و جمال، برابر و جایگزین ندارد و این همه بخشی است که به خاطر رهبری و ولایت نوع انسان به او عنایت شده بدون طلب و کوشش و تلاش.

در بحث ولایت در سال‌های قبل اشاره کرده ام که اساس ولایت بر این نکته است که حجت از ما به ما و مصالح ما آگاه‌تر و نسبت به ما از ما مهربان‌تر است.

چون آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است، که رحمت خدا گسترده است و او واسع المغفرة است.

اکنون با این توجه به جمال و کمال و محبت و انس و اشتیاق حجت به ما و با توجه به نیاز و احتیاج ما به او چه احساسی در ما شکل می‌گیرد و چه انگیزه‌ای در دل می‌جوشد.

وقتی که می‌شنویم جوان یهودی را که معلم بچه‌های مسلمانان بود زیر نظر دارد و تا او را از چنگ شیطان نمی‌گیرد، آرام نمی‌شود، حتی اگر حاصلی نداشته باشد و جز نعرش او بر روی دست‌های رسول صلی الله علیه و آله نماند و یا وقتی می‌شنویم که از خدا می‌خواهد تا حساب امت او را دور از چشم‌های خلیق بررسی کند و بدی‌های آن‌ها را فاش نسازد و یا وقتی که می‌شنویم و از نجوای امام سجاد علیه السلام می‌شنویم که اگر مرا در آتش بگذاری، شیطان را خشنود کرده‌ای که یکی را ربوده و اگر مرا در بهشت جا بدهی رسول صلی الله علیه و آله را مسرور می‌کنی که یکی را آورده است و من می‌دانم و به تو سوگند که باور دارم تو سرور و خوشحالی رسول را بر سرور شیطان مقدم می‌داری و به آن عشق می‌ورزی.

وقتی این نشانه های کوچک را احساس می کنیم، آن چنان عشقی و انسی در ما می شکوفد که بی قرارمان کند و به زیارت رسول و یا صلوات بر محمد و آل او وادارمان سازد، که در زیارت رسول می خوانیم؛ «اوجبت له بكل اذى مسه او كيد احس به من الفئءة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل و يملك بها الجزيل من نوالك فلقد اسر الحسرة و اخفى الزفرة و تجرع الغصة و لم يتخط ما مثل له وحيك.»»

و از خدا می خواهیم که در برابر هر رنج و هر کید دشمن خونخوار او، به او فضیلتی بالاتر از تمامی فضایل عنایت کن. چون او تمامی سوز و اشک گرم خود را پنهان کرد و رنج ها را جرعه جرعه نوشید و از آن چه تو و وحی تو برای او مقرر کرده بود گامی فراتر نگذاشت و حتی یک قدم بیرون نیامد.

راستی این اشتیاق از این سرفرازان و این احتیاج و اضطراب از ما خاک نشینان، زمینه و انگیزه ای است که ما را برای آماده باش و انتظار حجت بشوراند و بسوزاند.^۱